

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه	پیااده‌سازی

مبحث نیت (ص ۲۱۲ف ۲ - ص ۲۱۳ف ۲)

🌸 هروقت خواستی کار خوبی بکنی و راه‌بندان شد و ممکن نشد آن را انجام دهی، نیتت را رسیدگی کن، شاید صدمه‌ای خورده است و صرفاً برای خدا نیست و الاً اگر با صاحبخانه کار داشته باشی، بر عهده‌ی اوست که موانع را از جلوی راهت برطرف کند.

گاهی فرد می‌خواهد کار خیری بکند، یک مجلس دینی برپا کند، یک فعالیت معنوی ایجاد کند، یک مؤسسه‌ی خیریه‌ای برای رسیدگی به نیازمندان دایر کند که یک دفعه مانعی ایجاد می‌شود. فلان دستگاه دولتی می‌آید و می‌گوید: اجازه ندارید این کار را بکنید، ممنوع است. یا فرد مزاحمی می‌آید و مانع می‌شود. بالاخره یک گیری می‌افتد که نمی‌شود آن کار را کرد. خیلی حواستان را به کسانی که ظاهراً آمدند مانع ایجاد کردند ندهید. بارها گفته‌ام: آنچه در بیرون به وجود می‌آید سایه‌ی چیزی است که در درون است. «مَنْ أَضَلَّ مَا يَبْتُهُ وَ يَبْنِي اللَّهُ أَضَلَّ اللَّهُ مَا يَبْتُهُ وَ يَبْنِي النَّاسُ»^۱ کسی که بین خودش و خدا را اصلاح کند بین او و خلق را اصلاح می‌کند. ماجرایی که حاج آقا دولابی رحمته‌الله این جمله را نقل کردند و در سینه‌ی ما ماند و خدا مقدر کرد روی کاغذ نوشته شود و الان در اختیار عزیزان باشد این بود: ایشان تعریف می‌کردند که مسجد متروکه- ای در دولاب بود. حاج آقا در دولاب زندگی می‌کرد. مسجد متروکه و کثیفی بود که سال‌ها امام جماعتش از

^۱. سیدرضی، نهج البلاغه، حمت ۸۹، ص ۴۸۳ و حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۹۷ و مجلسی، بحار، ج ۶۸ و ص ۴۶۷.

دنیا رفته بود و نماز جماعت آنجا برگزار نمی‌شد. خاک و آشغال در آن پر و رها شده بود. ایشان فرمود: من روی عشق و شور جوانی که مسجد را آباد کنیم و نماز جماعت برپا کنیم و نمازخوان درست کنیم، رفتم از بزرگی خواهش کردم که ماه رمضان را در این مسجد نماز بخواند و مؤمنین هم به فیض نماز جماعت برسند. خودم هم روی عشق و شور مسجد را جارو و تمیز کردم. مسجد آماده شد و این بزرگوار هم آمد و چند روزی نماز جماعت آنجا برگزار شد. بعد از چند روز خانواده‌ی امام جماعت قبلی که سال‌ها پیش فوت کرده بود و چندین سال این مسجد متروکه بود، نامه‌ای به امام جماعت نوشتند که شما مسجد آباء و اجدادی ما را به چه حقی تصاحب کردی؟ به چه اجازه‌ای اینجا نماز می‌خوانی؟ مسجدی که چندین سال ول شده بود و چندین سال در آن نمازی نبود. سر صف نماز جماعت این نامه را به او دادند. بزرگوار هم این نامه را خواند و برگشت و نامه را به دست من داد. حاج آقا می‌گفت: من با آن شور و شوق و خوشحالی از برگزاری نماز جماعت و اینکه مردم در آنجا نماز می‌خوانند، وقتی این نامه را خواندم، دنیا روی سرم خراب شد. خدایا بین مسجد متروکه‌ای که درآمد ندارد، شما هم کسی را ندارید که بیاید اینجا نماز بخواند، حال این بزرگوار قبول کرده که نماز بخواند، چرا مانع خیر می‌شوید؟ چه هنری است که این آقا از فردا نیاید اینجا نماز بخواند؟ مسجد هم دوباره متروکه شود، مردم هم از نماز جماعت محروم شوند. نمی‌دانید چه حالی داشتم. وقتی نماز تمام شد و از مسجد خارج شدیم پای من نمی‌کشید که دنبال سر این بزرگوار بروم؛ حالم خیلی خراب بود. این بزرگوار هم که اهل باطن و اهل معنا بود، فهمید حال من چطوری است. به من گفت: محمداسماعیل این قدر ناراحت نشو. هر وقت خواستی کار خوبی بکنی و راه‌بندان شد و نشد آن کار را انجام دهی، نیت خودت را بررسی کن، شاید آنجا گیری باشد، شاید خالص نباشد. همین که کیف می‌کنی نماز برگزار شده، حظّ نفسانی است. اینکه تو توانستی مسجد را آباد کنی، حظّ نفسانی است؛ صد درصد برای خدا نیست. این است که چنین مانعی ایجاد شده والا اگر راست راستی فقط برای خدا باشد با صاحبخانه کار داشته باشی، وظیفه‌ی خود صاحبخانه است که موانع را برطرف کند. اگر در کار خیری مانعی پیش آمد به درون خود برگردید و ببینید چه گیری اینجا وجود دارد که این مانع بیرونی ظهور کرد، این سایه از درون

شما بیرون افتاد؛ والا مگر کسی می تواند جلوی دستگاه خدا مانع شود. این مانع از درون خودت بیرون زده و سایه اش انسان مزاحم و مأمور دولتی شده که آمده جلوی فلان جلسه را گرفته است. بین این داخل چه خبر است، یک واریسی کن. اول درون را خالص کن، بعد می بینی مانع بیرونی رفع شد. خیلی مشغول بیرون نشو از درون مشکل را حل کن، بیرون حل می شود. «مَنْ أَصْلَحَ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ أَصْلَحَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّاسِ»^۲ خدا می داند این جمله کلید همه ی قفل های عالم است، همه ی درهای بسته را باز می کند؛ چون هرگیری در زندگی ما پیش می آید سایه ی گیری است که در درون ما در رابطه ی ما با خدا به وجود آمده است. تا گیر اصلی باز نشود، گیر سایه باز نمی شود. طنابی را گره بزنی، جلوی چراغ و دیوار بگیرد؛ سایه ای که روی دیوار می افتد، سایه ی یک طناب گرده خورده است. شما هرچه با سایه گشتی بگیرد تا گره سایه ی طناب را باز کنی، قابل باز شدن نیست؛ خودت را خسته می کنی. تنها راهی که گره سایه باز شود، این است که گره خود طناب را باز کنی؛ سایه ی گره خود به خود باز می شود. گرهی که در کارت با خلق افتاده، سایه ی گره ای است که در رابطه ات با خدا افتاده است. تا این گره را باز نکنی، گره از سایه باز نمی شود؛ گره از کار دنیایت باز نمی شود؛ گره در روابط با مردم باز نمی شود؛ این شاه کلید گره گشاست. امیرالمؤمنین علیه السلام اگر مشکل گشاست، این شاه کلید را در نهج البلاغه دست ما داده است. بنابراین هر وقت خواستید کار خیری بکنید و مشکل، مانع و مزاحمی از بیرون پیش آمد، درون خودتان را واریسی کنید. درون را صاف تر و خالص تر کنید بعد می بینید مشکل به راحتی حل می شود. مشکلی که به ذهنتان نمی آمد قابل حل شدن باشد، می بینید خیلی راحت حل شد و گره باز شد. فرمود: اگر با صاحبخانه کار داری به عهده ی صاحبخانه است که موانع را برطرف کند؛ این مانع را خود صاحبخانه گذاشته است. این تعبیر با زبان ایشان است: **شیطان سگی است که در خانه ی خدا بسته شده است که نگذارد کسی که ناخالص است وارد شود.** اگر تو واقعاً خالص برای دیدن خود خدا می روی، وظیفه ی صاحبخانه است که به سگ بگوید، برو کنار. سگ فرمان صاحبخانه را

^۲. سیّدرضی، نهج البلاغه، حمت ۸۹، ص ۴۸۳ و حرّعاملی، وسائل الشّیعة، ج ۱۵، ص ۲۹۷ و مجلسی، بحار، ج ۶۸ و ص ۲۶۷.

می‌برد. این سگ را خود صاحبخانه اینجا بسته؛ لذا به عهده‌ی صاحبخانه است که وقتی می‌بیند مهمانی است که خودش دعوت کرده، دشمن نیست، نیامده دزدی و خراب‌کاری کند و مهمانی را به هم بزند، واقعاً برای دیدن صاحبخانه آمده، وظیفه‌ی صاحبخانه است به سگی که بسته بگوید برو کنار تا این مهمان به-راحتی وارد شود. شیاطین از جنس جنّ و انس هستند. بعضی از جنس جنّ مثل خود ابلیس و بعضی هم از جنس انسان هستند. لذا اگر درون خالص باشد؛ یعنی واقعاً بخواهی که رضایت خود خدا را بطلبی و چیز دیگری نخواهی به عهده‌ی خود خداست؛ خدا وظیفه‌ی خودش می‌داند که این مانع را خودش بردارد.

🌸 دوست اهل بیت علیهم‌السلام با دل و نیت کار می‌کند. چون به همه‌ی کارهای خوبی که در عالم انجام

می‌شود، رغبت دارد و رضاست؛ لذا در همه‌ی آنها شریک است و سهم می‌برد. (۱۱:۰۲)

ما در زمان واحد چقدر کار خیر می‌توانیم انجام دهیم؟ در زمان واحد یک کار بیشتر نمی‌شود انجام داد. الان شما آمده‌اید و در مجلس اهل بیت علیهم‌السلام نشست‌اید، این یک کار خیرست؛ اما همین لحظه چقدر کارهای خیر دیگر وجود دارد؟ افرادی طواف کعبه می‌کنند، افرادی زیارت پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام می‌کنند، به ایتم و فقرا کمک می‌کنند، عبادت می‌کنند و ذکر می‌گویند، افرادی که تلاوت قرآن می‌کنند، استغفار می‌کنند، افرادی که در حال نماز خواندن هستند، الآن چقدر عبادات وجود دارد و ما که اینجا هستیم همه‌ی آنها را نمی‌توانیم در آن واحد انجام بدهیم؛ اما اگر انسان خواستش به سمت آنها باشد، آن کارها را دوست بدارد، آرزوی آنها را داشته باشد، طوری باشد که اگر این اشتغال نبود بلافاصله مشغول آن کار می‌شد؛ اگر این خواست، رضایت و رغبت در وجودش باشد در همه‌ی کارهای دیگر شریک است. یعنی اجر همه‌ی آن کارها را هم علاوه بر این کاری که عملاً انجام می‌دهد در نامه‌ی عملش می‌نویسند؛ یعنی الان شما اینجا نشست‌اید و اجر زائر اباعبدالله علیه‌السلام، اجر زائر مرقد پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، اجر طائفین کعبه و راکعین و ساجدین مسجدالحرام، اجر کسانی که به بیوه زنان، یتیمان، فقرا و مستمندان رسیدگی می‌کنند، اجر تلاوت کنندگان قرآن، ذاکرین و عابدین را در نامه‌ی عمل شما در آن واحد می‌نویسند. یکی را با بدن انجام دادی و بقیه را

هم با نیت شریک شدی؛ لذا ان شاء الله اگر این راه را پیدا کنید، کاسبی‌ها زیاد می‌شود. در ماه مبارک رمضان عبادت‌های زیادی است که انسان می‌تواند انجام دهد؛ صبح تا شب صلوات بفرست، قرآن بخوان، نماز مستحّب بخوان، قضای نماز واجب بخوان، در سجده باش، صبح تا شب به ایتم رسیدگی کن، به کوچکترها ملاطفت کن، به بزرگترها احترام کن، صله‌ی ارحام کن و همین نکته‌هایی که پیغمبر اکرم ﷺ در خطبه‌ی شعبانیه فرمودند که اگر شخص از صبح تا شب مشغول باشد، خیلی اجر دارد؛ اما در آن واحد یکی را می‌تواند انجام دهد، بقیّه را با رغبت و نیت شریک شود. لذا اگر موفق نمی‌شود انجام دهد و با همه‌ی وجود رغبت و خواست در او باشد، غصّه نخورد، اجر همه‌ی آن کارها را هم در نامه‌ی عملش می‌نویسند؛ این کاسبی را خیلی بزرگ بدانید.

🌸 با نیت خود می‌توانید در همه‌ی کارهای خیری که در عالم انجام می‌شود، شریک شوید. الرّاضی
 بِفِعْلِ قَوْمٍ كَالَّذِخْلِ فِيهِ مَعَهُمْ^۳ کسی که به کار قومی راضی باشد، همچون کسی است که با آنها در آن کار
 وارد شده باشد. (۱۴:۳۱)

در نهج البلاغه نقل شده است که در جنگ جمل پیروزی درخشانی عاید امیرالمؤمنین علیه السلام و سپاهیان‌ش شد. یکی از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام که در این جنگ در رکاب حضرت بود به ایشان عرض کرد: «وَدِدْتُ أَنْ أَخِي فَلَانًا كَانَ شَاهِدَنَا لِيرَى مَا نَصَرَكَ اللَّهُ بِهِ عَلَى أَعْدَائِكَ» دوست می‌داشتم که برادرم فلانی هم در این جنگ حاضر بود و شاهد این پیروزی بود که خدا بر دشمنانتان نصیب شما کرد. «فَقَالَ علیه السلام أ هَوَىٰ أَخِيكَ مَعَنَا» حضرت امیر علیه السلام فرمودند: برادر تو هوای بودن با ما را داشت؟ دلش می‌خواست، آرزو داشت، دلش پر می‌زد که همراه ما در این جنگ باشد؟ «قَالَ نَعَمْ» عرض کرد: بله یا امیرالمؤمنین از خدا می‌خواست، مانعی پیش آمد و عملاً موفق نشد که بیاید. «قَالَ فَقَدْ شَهِدْنَا وَ لَقَدْ شَهِدْنَا فِي عَسْكَرِنَا هَذَا أَقْوَامٌ [قَوْمٌ] فِي أَضْلاَبِ الرِّجَالِ وَ أَرْحَامِ النِّسَاءِ سَيَرَعُفُ بِهِمُ الزَّمَانُ

۳. سیدرضی، نهج البلاغه، حکمت ۱۵۴، ص ۴۹۹ و حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۴۱ و مجلسی، بحار، ج ۹۷، ص ۹۶.

و يَقْوَى بِهَمِّ الْإِيمَانِ»^۴ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: برادر تو در این جنگ حاضر بود، شریک ما بود، شاهد این پیروزی و همراه ما بود؛ نه تنها او در این لشکر همراه ما بود، اقوامی همراه ما شاهد این پیروزی و نبرد بودند که امروز آنها در صلب‌های مردان و رحم‌های زنانند و در زمان‌های آینده زمانه آنها را متولد خواهد ساخت و به‌دست آنها ایمان را تقویت خواهد کرد. با نیت نه تنها می‌توان شریک کارهای خیری شد که الآن انجام می‌شود؛ شما را به خدا الآن دلتان نمی‌خواست همراه امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ جمل بودید؟ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: شما هم بودید. دلتان نمی‌خواست روز عاشورا همراه اباعبدالله علیه السلام بودید؟ چقدر در روایات داریم ائمه فرمودند: هر وقت یاد جدّ مظلوم ما اباعبدالله علیه السلام افتادید، یاد واقعه‌ی عاشورا افتادید، بگویید: «يا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكَ يا ابا عَبْدِ اللَّهِ»^۵ کاشکی من آن روز بودم و وجود خودم را سپر بلای تو می‌کردم؛ نمی‌گذاشتم با سنگ و نیزه به بدن مجروح تو حمله‌ور شوند و تو را غرق لطمات و ضربات کنند و پیکر لطیف و عزیز تو را آماج تیرها کنند. یا فرمودند: وقتی یاد شهدای کربلا افتادید بگویید: «يا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكَ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً»^۶ یا وقتی جمعی هستید بگویید: «يا لَيْتَنَا كُنَّا مَعَكَ؛ يا لَيْتَنَا كُنَّا مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً» فرمودند کسی این را بگوید همراه و هم اجر شهدای کربلاست. این گفتن، فقط گفتن زبانی نیست؛ یعنی دلت پر بکشد، کاشکی بودم! کاشکی بودم یا اباعبدالله و سینه‌ام را سپر می‌کردم و نمی‌گذاشتم سینه‌ی شما را تیر حرمله بشکافد که از پشت آن طوری بیرون بیاورید. لذا می‌شود با نیت در همه کارهای خیر سهیم شد. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «الْراضِي بِفِعْلِ قَوْمٍ كَالدَّاحِلِ فِيهِ مَعَهُمْ»^۷ کسی به عمل قومی راضی باشد، همچون کسی است که همراه با آنها در این کار وارد بوده و این کار را انجام داده است. سرعت سیر سالک الی‌الله با استفاده

۴. سیدرضی، نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۲، ص ۵۵ و مجلسی، بحار، ج ۳۲، ص ۲۴۵ و محدث‌قمی، سفینة‌البحار، ج ۸، ص ۳۲۵.

۵. مجلسی، بحار، ج ۹۸، ص ۱۸۴ و کفعمی، المصباح، ص ۵۰۱ و ابن‌قولویه، کامل‌الزیارات، ص ۲۳۷.

۶. مجلسی، بحار، ج ۹۸، ص ۲۲۴ و کفعمی، البلدالامین، ص ۲۸۱ و ابن‌قولویه، کامل‌الزیارات، ص ۲۳۷.

۷. سیدرضی، نهج‌البلاغه، حکمت ۱۵۴، ص ۴۹۹ و حرّعاملی، وسائل‌الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۴۱ و مجلسی، بحار، ج ۹۷، ص ۹۶.

از این اصل خدا می‌داند چقدر زیاد می‌شود. با بدنمان چقدر عمل می‌توانیم انجام دهیم؛ اما با نیتمان می‌توانیم شریک خیلی اعمال شویم. به برکت اهل بیت علیهم‌السلام می‌توانید در همه‌ی اعمال خیر انبیا، اولیا، صلحا و اتقیا که در طول تاریخ در همه‌ی عالم از بدو خلقت تا قیام قیامت هستند، شریک شوید. به برکت اهل بیت علیهم‌السلام در سلوک الی‌الله به روی دوست اهل بیت علیهم‌السلام چه دری باز شد و چگونه می‌تواند از راه نیت منازل سلوک را با سرعت طی کند! فرد چقدر ریاضت بکشد و عبادت کند تا ذره ذره پیش رود؛ اما با نیت می‌توان خیلی کار کرد و رشد کرد.

🌸 وقتی برادر مؤمنت عبادت می‌کند، مثل این است که تو عبادت کرده‌ای و ثواب آن به تو هم می‌رسد. کسی که به فعل قومی راضی باشد، در آن شریک است. **الراضی بِفِعْلِ قَوْمٍ كَالدَّخْلِ فِيهِ مَعَهُمْ**^۸ کسی که به عمل گروهی راضی باشد، مانند کسی است که در انجام آن کار با آنها همراه بوده است. (۲۰:۳۹)

مورد خیلی آشکارش در جلسه‌ی خودمان این است که فلان دوست شما عمره می‌رود، کربلا می‌رود و تو با همه‌ی وجودت حسرت می‌خوری و آرزو می‌کنی. حسرت بخور؛ اما حسد نورز. می‌دانی حسرت با تو چه می‌کند؟ تو هم همراه او بودی؛ لذا خیالتان راحت باشد. دل‌های ما در این جلسه به لطف خدا یکی است. این عنایت اهل بیت علیهم‌السلام است، من این را می‌بینم به لطف خدا که دل‌ها یکی است، به هم وصل است؛ مثل ظروف مرتبته می‌ماند. اگر در هر یک از ظروف مرتبته چیزی بریزید، در همه‌اش وجود دارد. یکی از شما نماز شب بخوانید، برای همه بس است. نمی‌گویم بقیه نخوانند؛ ولی گیر همه می‌آید. یکی کربلا برای زیارت اباعبدالله علیه‌السلام برود، همه رفته‌اید. یکی عمره برود، همه عمره گذارید. به برکت محبت اهل بیت علیهم‌السلام به برکت ولایت، دل‌ها یکی و به هم وصل شده است؛ لذا هرچه در یکی بریزند، همه سود می‌برند. اینها را باور کنید،

^۸ سیدرضی، نهج البلاغه، حکمت ۱۵۴، ص ۴۹۹ و حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۴۱ و مجلسی، بحار، ج ۹۷، ص ۹۶.

اگر باور کردید، کیفش را می‌کنید و گیرت می‌آید. باور نکردید در کاسه‌ات هست؛ اما کیف نمی‌کنی. مثلاً نزدیک افطارست، گوشه‌ی خیابان ایستاده‌ای و می‌خواهی زودتر خودت را به منزل برسانی و افطار کنی، در جیبت پول زیادی هست؛ ولی خیال می‌کنی در جیبت هیچ پولی نیست و باید راه طولانی از اینجا تا خانه را پیاده طی کنی تا یکی دو ساعت بعد از افطار به خانه برسی. پول داشتی؛ اما پولی را که داری ندیدی. وقتی دیدی بهره‌اش را می‌بری. ان شاء الله باور کنید تا ببینید. تا باور نکردید، خبری نیست؛ نمی‌بینند. تا با شک به این حرف‌ها نگاه می‌کنی، خبری نیست؛ اما به یقین که رسیدی، چشمت باز می‌شود «لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ؛ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ؛ ثُمَّ لَتَرَوْهَا عَيْنَ الْيَقِينِ»^۹ یقین چشم را باز می‌کند. راجع به ابراهیم خلیل عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «وَ كَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ لِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ»^{۱۰} چون موقن بود ملکوت آسمان‌ها و زمین را دید. پس وقتی اهل یقین شدی چشمت باز می‌شود و می‌بینی. شک نکن عزیزم. با تردید با این حرف‌ها برخورد کنی، بهره نمی‌بری؛ در جیبت پول هست؛ ولی فایده‌اش را نمی‌بری، چه فایده‌ای؟ باور کن تا باور، یاورت شود. یک نقطه کنار "ب" بیاور. آن نقطه هم خود امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام است. فرمود: «أَنَا النَّقْطَةُ [الَّتِي] تَحْتَ الْبَاءِ»^{۱۱} باور تو را یاور می‌کند، آن وقت می‌بینی، کیف می‌کنی و لذت می‌بری. باور کنید دوستی که کربلا رفت همه‌ی شما رفتید؛ همه زائر ابا عبدالله عَلَيْهِ السَّلَام بودید. دوستی که مکّه رفت همه عمره گذارید؛ چون به فعل او راضی هستید. همه‌ی وجودتان آرزو داشت کاشکی من هم می‌رفتم. با او یگانه‌اید، او هم که آنجا می‌رود مگر وجدان و انصاف به او اجازه می‌دهد تنها بخورد. ولایت اصلاً نمی‌گذارد فرد تنهایی سر سفره بنشیند و بخورد. شما نماز می‌خوانید، تنهایی نمی‌خورید. می‌گویید: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»^{۱۲}؛ «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»^{۱۳} دعاهایی که در

^۹. سوره‌ی تکوین، آیات ۵-۷.

^{۱۰}. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۷۵.

^{۱۱}. بروجردی، تفسیر الصراط المستقیم، ج ۳، ص ۱۹ و حافظ‌برسی، مشارق انوار الیقین، ص ۳۱ و آملی، سیدحیدر، تفسیرالمحیط الاعظم، ج ۲، ص ۳۷۰.

^{۱۲}. سوره‌ی حمد، آیه‌ی ۶.

سحرهای ماه مبارک رمضان می خوانید، تنهایی نمی خورید «اللَّهُمَّ ادْخُلْ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ الشُّرُورِ اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ اللَّهُمَّ اشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ»^{۱۴} دعای ابو حمزه‌ی ثمالی را نگاه کن، تنهایی نمی خوری، همه را دعا می کنی «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ»^{۱۵}؛ «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَبِيبِنَا وَ مَيِّتِنَا وَ شَاهِدِنَا وَ غَائِبِنَا ذَكَرْنَا وَ أَنْثَانَا صَغِيرِنَا وَ كَبِيرِنَا حُرْنَا وَ مَمْلُوكِنَا»^{۱۶} انصاف و مروّت و روحیه‌ای که ولایت در دوست اهل بیت علیهم‌السلام ایجاد می کند اجازه نمی دهد تنهایی بنشیند و بخورد. تا سر سفره‌ای می نشیند اول می گوید: کاشکی فلانی هم بود. باور کنید همه هم سیر می شوند. اگر یگانگی و محبت باشد، دوستی سرسفره‌ای بنشیند و چیزی بخورد همه سیر می شوید؛ چه طعام‌های ظاهری و چه طعام‌های باطنی. از این طرف هم شما با او یگانگی و محبت داشته باشید و به فعلش رضایت و رغبت داشته باشید تا سهیم شوید. وقتی برادر مؤمن عبادت می کند؛ مثل این است که تو عبادت کرده‌ای و ثواب آن به تو هم می رسد. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»^{۱۷} امروز در رأس همه‌ی مؤمنین حضرت بقیه‌الله‌الاعظم ارواح‌افشاده هستند. دلت را با حضرت یگانه کن آنگاه ببین عبادت‌های حضرت را در نامه‌ی عمل تو می نویسند. ببین به کجاها سر در آوردی. کسی که به فعل قومی راضی باشد، در آن شریک است. «مَنْ رَضِيَ بِفِعْلِ قَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ»^{۱۸} کسی که به عمل گروهی راضی باشد، خود او هم از همان گروه

۱۳. سوره‌ی حمد، آیه‌ی ۵.

۱۴. مجلسی، بحار، ج ۹۵، ص ۱۲۰ و کفعمی، المصباح، ص ۶۱۷ و محدث قمی، مفاتیح‌الجنان، اعمال مشترکه‌ی ماه رمضان.

۱۵. سیدین طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۱، ص ۷۰ و کلینی، کافی، ج ۲، ص ۵۳۰ و مجلسی، بحار، ج ۷۸، ص ۳۸۹.

۱۶. سیدین طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۱، ص ۷۰ و مجلسی، بحار، ج ۹۵، ص ۸۶ و محدث قمی، مفاتیح‌الجنان، اعمال سحرهای ماه رمضان، دعای ابو حمزه‌ی ثمالی.

۱۷. سوره‌ی حجرات، آیه‌ی ۱۰.

۱۸. روایات مشابه:

«مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ»؛ ابن ابی‌جمهور، عوالی‌النالی، ج ۱، ص ۱۶۵ و پاینده، نهج‌النصاحه، ص ۷۳۷ و صدرالمتألهین، تفسیرالقرآن‌الکریم، ج ۷، ص

می‌باشد. به عنوان تشکر از این عطای بزرگی که به برکت ولایت اهل بیت علیهم‌السلام نصیبتان شد یک صلوات تقدیم محضر حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا فداه کنید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ